

قالی بافی در ایران

[۲]

دوره سلجوقیان

در این دوره پادشاهان و امیران بیشتر به هنرهای تربیتی علاقه داشتند و این گونه هنرمندان را تشویق می کردند. نقاشی و خطاطی بافندگی درین زمان راه کمال پیموده است و از شواهدی که در دست هست تا اندازه ای می توان به وضع هنر این دوره پی برد. با آن که معماری درین زمان هنری زنده و در راه ترقی بوده است به کاشیکاری که با طراحی قالی، ارتباط بسیار دارد و خود قالی بافی توجه چندانی نشده است. مردم نیز چندان ارجی باینگونه امور نمی گذاشتند و بهمین علت است که در کتب این زمان کمتر اشارهای درین باره می یابیم. البته این مطلب دلیل بر رکود کار قالی بافی نیست و بی شک مردم که نیازمند به فرش بوده اند در خانه ها و دوستانها بدین کار می پرداخته اند، اما منظور ما تکامل این هنر از نظر رنگ آمیزی و طراحی است که بطور کلی چه در قالی و چه در کاشیکاری این امر درین زمان رواج نداشته است. گمان می رود که اوضاع کشور درین دوران تأثیر زیادی در عدم رواج اینگونه رشته های هنری که مستلزم صرف وقت و دقت می باشد، داشته است. پادشاهان نیز درین هنگام به اندازه ای به کارهای کشوری مشغول بودند که کمتر فرصت می یافتند بدینگونه مسائل بپردازند.

حملة مغول

حملة چنگیز در ابتداء قرن هفتم و خرابی هایی که به بار آورد و سپس هلاکو

قالی قرن نهم نقش های منهنی ابتدایی



و ترکازی هایش سبب شد که بازار هنر از رونق بیفتد و کوششهایی که بیش ازین دوران درین راه می شد متوقف گردد . مردم این زمان به اندازه ای دچار رنجها و گرفتاری های دوران بودند که مجال توجه به هنر نداشتند و تنها در حفظ جان و مال خود می کوشیدند .

کم کم پس از چندین سال که مغولان درین کشور باقی ماندند و اوضاع آرامشی به خود گرفت ، این ترکان صحرا نشین نیز خوی بیابانی خود را ترك گفتند . کوشش ایلخانان مغول که هر يك در گوشه ای از خاک کشور ما حکمرانی داشتند برین بود که روش شاهان سابق را تا آنجا که می توانستند پیش بگیرند و درین کار شاید



قالی قرن دهم طرح مستقیم

وزیران ایرانی آنان تأثیر بسزایی داشته اند . ایلخانان مغول که با گذشت زمان مردمی متمدن و فرهنگ دوست شده بودند ،

سجاده قرن دهم (موزه ایران باستان)

به هنر و امور هنری توجه می کردند . از اینرو طولی نکشید که در زمان اینان قالی باقی ماند بسیاری کارهای هنری دیگر روال طبیعی خود را که در گذشته بدان راه می رفت ، باز یافت .

هنر قالی باقی در زمان غازان خان که پیشتر از دیگر ایلخانان به هنر و آبادانی توجه داشت اروج کامل یافت این پادشاه در اواخر قرن هفتم می زیست و در خارج شهر تبریز که پایتختش بود ارگ غازی را که « شنب تبریز » خوانده می شد بنا ساخت که هنوز سردر و قسمتی از آن باقی است . چنانکه نوشته اند کف تالارها و اطاقهای این ارگ با قالی ها و قالیچه های بافت فارس مفروش بوده است . از طرف دیگر این پادشاه دستور داد تا کف مسجدی را که ساخته بود با قالی های گران بها مفروش سازند . نکته ای که باید یاد آور شد و بدان توجه کرد اینست که قالی هایی که برای این پادشاه سفارش داده می شده همه از فارس بوده است



و چون بی شك برای پادشاهی چون غازان
 بهترین قالی کشور تهیه می شده است ، این
 مطلب دلیل بر ترقی قالی بافی در فارس این
 زمان است و از سوی دیگر نشان می دهد که
 هنر قالی بافی تبریز در عصر غازانی چندان
 رونق و پیشرفتی نداشته و یا چندان مرغوب
 نبوده است ، چون در هیچ جا اشاره ای بدان
 نمی یابیم .

تیموریان

هنر قالی بافی چون دیگر رشته
 های هنری و صنعتی کم کم داشت رونقی
 به خود می گرفت که تر کتازی تیمور لنگه
 آغاز شد و اوضاعی که هنوز آنچنانکه باید
 و شاید سامان نیافته بود دوباره آشفتگی گشت ،

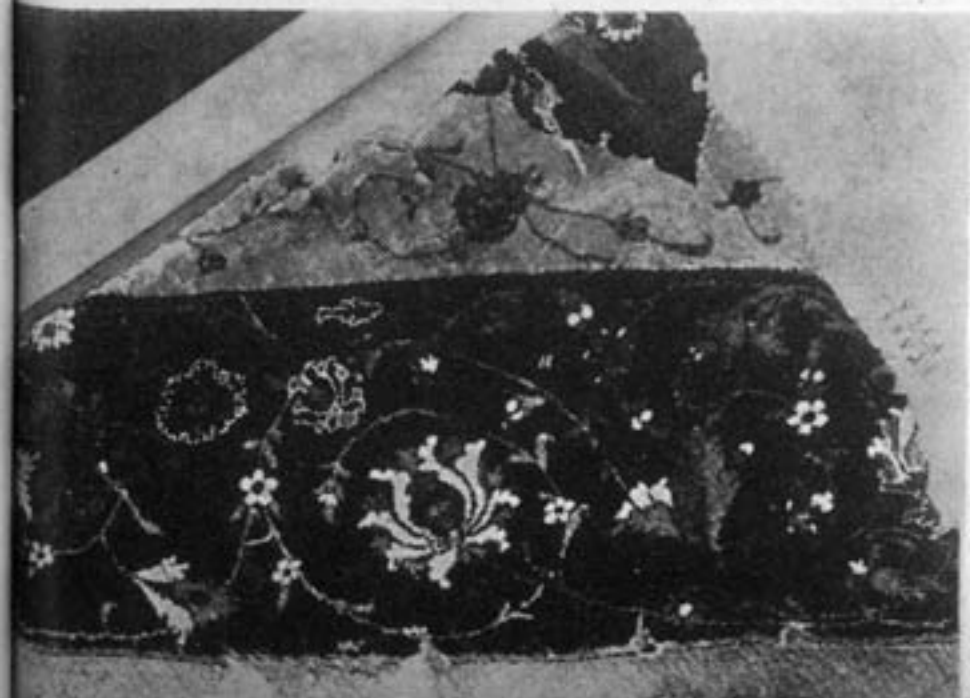
و باز تلاش حفظ جان و مال بر توجه به هنر
 پیشی گرفت و دوران آشوب مغولان باز گشت . اما مردم رنج دیده و مصیبت زده حمله مغولان
 برای آنها که سخت در برابر تیمور نیز چون جنگیز پایداری کنند ، نداشتند . بدین سبب
 چندی نیابید که تیمور بر سرزمینی که شایق آن بود تسلط یافت . تیمور به آوردن
 سپاه پرداخت و شروع به تر کتازی به کشورهای اطراف کرد . در داخل کشور نیز هر

قالی قرن دهم با نقش شکار ماه (موزه ایران باستان)



چندی یکبار شورش هایی
 می شد و او برای خواباندن
 آنها بدان سوی می رفت ،
 حاصل آنکه این کشور گشای
 نانا را تا آخر عمر آرام نداشت
 و اوضاع کشور نیز در زمان او
 آرامشی به خود نگرفت .
 از اینرو تیمور را مجال
 آن نبود که به مسایل هنری
 توجهی کند و مردم نیز چنان

پرتال جان نقش های منهنی - تکه ای از قالی قرن دهم (موزه ایران باستان)



به رنگ‌های خود گرفتار بودند که اقبالی بدینگونه کاره‌انداشتند. اما در اواخر حکومت او کم‌کم اوضاع اندک آرامشی گرفت و سبب شد که در زمان پسرش شاهرخ وضع چنان شود که قدمهایی در راه آبادانی و توجه به صنعتگران و هنرمندان برداشته شود. ازین زمان قالی با قالیچه‌های به‌دست نیست تا مابطور مستقیم بتوانیم درباره این موضوع به تحقیق بپردازیم ولی در مینیاتورهای زیادی که از اوایل قرن نهم باقی مانده است تصویر قالی و قالیچه‌هایی دیده می‌شود. در پارهای از آنها به دقت طرح قالی ترسیم شده است و با مطالعه دقیق آنها می‌توان به طرح‌های آن دوران پی برد. ازین مینیاتورها به خوبی نمایان است که نقوش قالی درین دوران بسیار ساده و محدود بوده است. طرح‌های درهم و رنگ آمیزی‌های زنده قرون بعد بهیچ روی درین آثار دیده نمی‌شود. تصاویر نسخه خطی هفت‌آورنگ جامی که ازین زمان باقی مانده است و اکنون در مجموعه کاخ گلستان محفوظ می‌باشد

قالی قرن دهم (موزه ایران باستان)

مینیاتورهای بسیاری دارد که در آنها صحنه قالی دیده می‌شود.

رو بهم رفته بخوبی آشکار است که در زمان شاهرخ قالی مجلل و عالی کمتر بافته می‌شده و طرح قالی وضعی ابتدایی و ساده داشته است. صنعت قالی بافی که در دوران آشفته سابق تا اندازه زیادی متروک شده بود کم‌کم درین زمان بدان توجه شد و رواج گرفت، اما چون هنوز فرصت ترقی کافی نیافته و مهارت در آن حاصل نشده بود، آثاری ارزنده درین زمان به وجود نیامد.

در دربار «اوزن حسن» تا اندازه‌ای پیش از دیگران به قالی و قالی بافی توجه می‌شده است و خود این پادشاه نیز به گردآوری انواع قالی علاقمند بوده است.

از گزارش «باربارو» سفیر جمهوری «ونیز» در دربار «اوزن حسن» پادشاه آق‌قویونلو (معاصر شاهرخ) کاملاً مشهود است که در کاخ این پادشاه قالی‌های گرانبها و تزیینی بسیاری گرد آمده بوده است. این مرد در نوشته خود چندین بار وضع این قالی‌ها و طرح آنها را بیان داشته است، و می‌گوید این فرشها برشکوه دربار این پادشاه می‌افزود. نکته جالبی که در نوشته این سفیر وجود دارد شرح مختصریست که درباره قالی‌های ابریشمین قصر این پادشاه داده است.

باینکه گمان می‌رود قالی‌های کاخ اوزون حسن گرانبهاترین قالی‌های آن دوران بوده است، از شرحی که این سفیر درباره طرح‌های آنها داده است کاملاً آشکار است که نقش این قالی‌ها ساده و دارای خطوطی تقریباً مستقیم بوده و ازین نظر بهیچ روی شباهت به طرح‌های زیبا و درهم دوران صفوی نداشته است. نقش این قالی‌ها همانطور که یاد آور

شدیم بیشتر بطور مستقیم بوده و کمتر طرح های «اسلمی» و اصولاً خطوط منحنی در آن ها دیده می شده است .

البته ازین قالی ها هیچ اثری برای ما باقی نمانده و این موضوع چندان غریب نیز نیست ، چون مواد اصلی قالی پشم و پنبه است و این اجناس فاسد شدنی و از میان رفتنی است از طرف دیگر پا خوردن و آفت های کوناگون از قبیل بید و حشرات دیگر نیز دراز میان بردن قالی ها و بافتنی های دیگر مؤثر می باشند . بدین سبب آگاهی ما از طرح و رنگ این قالی ها تنها متکی به تصویر قالی است که در مینیاتورها دیده می شود و بعد از آنها از شرح هایی است که نویسندگان در باره این هنر در آثار خود باقی گذاشته اند .

نکته ای که باید در اینجا ذکر کرد ، وجود طرح های کاشی از این دوران یعنی از زمان سلطنت شاهرخ است . طرح های کاشی های مسجد گوهرشاد مشهد ، نمونه بارز و زنده ای ازین هنر است . در اینکه شباهت و یگانگی زیادی در طرح کاشی ها و قالی وجود دارد شککی نیست و با اندک دقت ایشانرا می توان دریافت . حتی احتمال داده می شود که طراحان کاشی و قالی اغلب افراد واحدی بوده اند . اگر از دور به این طرح ها با دقت نظر انداخته شود ، فوراً تصویر قالی ای را در برابر خود خواهیم یافت این طرح ها مانند قالی دارای حاشیه و منتهی هستند که طرح یک چهارم آن در سه چهارم دیگر تکرار می شود . اگر این فرض که به اقرب احتمال درست است بامداد کمی مستند ثابت شود می توان کاشی کاری های مسجد گوهرشاد و نظایر آنرا نیز از نظر طراحی این دوره مخصوصاً طرح قالی مورد مطالعه و دقت قرار داد .

از اواخر قران نهم که آثار مختصری از قالی های آن دوران در دست است اقبال شدیدی به این هنر آغاز گردید و کم کم قالی بافان و طراحان از طرح هایی که بیشتر بصورت خط مستقیم بود منحرف شدند و بطرف اسلمی بسیار ساده ای روی آوردند . ازین زمان به بعد خطوط منحنی در قالی ها دیده می شود و همین طرح های ابتدایی است که در زمان صفویه که اوج ترقی قالی بافی در ایران است به نهایت کمال می رسد . از طرف دیگر ازین زمان کارگاه های قالی بافی که به سبب اوضاع آشفته کشور از میان رفته بودند دوباره پدیدار می شوند و طراحان طرح اصلی قالی را اول ترسیم می کنند ، تا قبل از بافتن طرح کامل قالی در دست باشد . ازین پس کم کم هنر قالی بافی از میان قبایل و طوایف به قالی بافخانه ها روی می آورد و طراحان زیادی زیر حمایت صاحبان این کارگاه ها شروع بکار می کنند . همین راه است که زمینه را برای ترقی عجیب قالی بافی در دوران صفوی هموار می سازد و سبب می شود که شاهکارهای قالی ایران به وجود آید .